

﴿...أَقِمَّ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفاً وَ لَّا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُشْرِكِينَ﴾ یونس: ۱۰۵

با یکتاپرستی به دین روی آور و هرگز از مشرکان نباش.

التَّدْيِينُ فِطْرِيٌّ فِي الْإِنْسَانِ. وَ التَّارِيخُ يَقُولُ لَنَا:

دینداری در انسان فطری است. و تاریخ به ما می‌گوید:

لَا شَعْبٌ مِنْ شُعُوبِ الْأَرْضِ إِلَّا وَ كَانَ لَهُ دِينٌ وَ طَرِيقَةٌ لِلْعِبَادَةِ.

هیچ ملتی از ملت‌های زمین نیست مگر اینکه دینی و شیوه‌ای برای عبادت داشته است.

فَالْأَثَارُ الْقَدِيمَةُ الَّتِي اِكْتَشَفَهَا الْإِنْسَانُ، وَ الْحَضَارَاتُ الَّتِي عَرَفَهَا مِنْ جَلالِ الْكِتَابَاتِ وَ التَّقْوِشِ وَ الرُّسُومِ وَ النَّمَائِيلِ،

آثار قدیمی که انسان آنها را کشف کرده و تمدن‌هایی که از طریق دست‌نوشته‌ها، کنده‌کاری‌ها، نقاشی‌ها و مجسمه‌ها شناخته است،

تُوَكِّدُ اهْتِمَامَ الْإِنْسَانِ بِالْأَدْيَانِ وَ تَدُلُّ عَلَيَّ أَنَّهُ فِطْرِيٌّ فِي وُجُودِهِ؛ وَلَكِنَّ عِبَادَاتِهِ وَ شَعَائِرَهُ كَانَتْ حُرَافِيَّةً؛

اهمیت (توجه) انسان به دین را تأکید می‌کند و دلالت بر این دارد که آن (دین) در وجودش [امری] فطری است. اما عبادت‌ها و مراسم خرافی بوده است؛

مِثْلُ تَعَدُّدِ الْأَلِهَةِ وَ تَقْدِيمِ الْقَرَابِينِ لَهَا لِكَسْبِ رِضَاهَا وَ تَجَنُّبِ شَرِّهَا.

مثل تعدد خدایان و تقدیم قربانی‌ها برای آنها به خاطر کسب خشنودی‌شان و دور ماندن از بدی‌شان.

وَ اِزْدَادَتْ هَذِهِ الْحُرَافَاتُ فِي أَدْيَانِ النَّاسِ عَلَيَّ مَرَّ الْعُصُورِ

این خرافات در دین‌های مردم با گذشت زمان‌ها افزایش یافته است.

وَلَكِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى لَمْ يَتْرِكْ النَّاسَ عَلَيَّ هَذِهِ الْحَالَةِ؛ فَقَدْ قَالَ فِي كِتَابِهِ الْكَرِيمِ:

اما خداوند تبارک و تعالی مردم را در این حالت رها نکرده است؛ در کتاب ارزشمند خود فرموده است:

﴿أَيَحْسَبُ الْإِنْسَانُ أَنْ يُتْرَكَ سُدًى﴾ الْقِيَامَةُ: ۳۶

آیا انسان گمان می‌کند که بیهوده رها می‌شود؟

لِذَلِكَ أَرْسَلَ إِلَيْهِمُ الْأَنْبِيَاءَ لِيُبَيِّنُوا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ وَ الدِّينَ الْحَقَّ.

بنابراین پیامبران را به سوی آنها فرستاد تا راه مستقیم و دین حق را آشکار کنند.

وَ قَدْ حَدَّثَنَا الْقُرْآنُ الْكَرِيمُ عَنْ سِيَرَةِ الْأَنْبِيَاءِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ صِرَاعِهِمْ مَعَ أَقْوَامِهِمُ الْكَافِرِينَ.

و قرآن کریم با ما از سیره پیامبران و مبارزه آنها با اقوام کافرشان سخن گفته است.

وَلَنَذْكُرُ مِثْلًا لِإِبْرَاهِيمَ الْخَلِيلِ عَلَيْهِ السَّلَامُ الَّذِي حَاوَلَ أَنْ يُنْقِذَ قَوْمَهُ مِنْ عِبَادَةِ الْأَصْنَامِ.

و برای مثال ابراهیم خلیل علیه السلام را باید به یاد آوریم که سعی کرد قومش را از پرستش بت‌ها نجات دهد.

فَفِي أَحَدِ الْأَعْيَادِ لَمَّا خَرَجَ قَوْمُهُ مِنْ مَدْيَنَتِهِمْ، بَقِيَ إِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَحِيداً، فَحَمَلَ فَأَسَأَ،

در یکی از عیدها هنگامی که مردمش از شهرشان خارج شدند ابراهیم علیه السلام تنها باقی ماند.



وَ كَسَّرَ جَمِيعَ الْأَصْنَامِ فِي الْمَعْبَدِ إِلَّا الصَّنَمَ الْكَبِيرَ، ثُمَّ عَلَّقَ الْفَأْسَ عَلَى كَيْفِهِ وَ تَرَكَ الْمَعْبَدَ.

پس یک تبر برداشت و همه بت‌ها جز بت بزرگ را در پرستشگاه شکست، سپس آن تبر را به دوش او آویخت و پرستشگاه را ترک کرد.

وَلَمَّا رَجَعَ النَّاسُ، شَاهَدُوا أَصْنَامَهُمْ مُكْسَّرَةً، وَ ظَنُّوا أَنَّ إِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ هُوَ الْفَاعِلُ، فَأَحْضَرُوهُ لِلْمُحَاكَمَةِ وَ سَأَلُوهُ:

وقتی مردم برگشتند بت‌هایشان را شکسته دیدند و گمان کردند که ابراهیم علیه السلام آن را انجام داده است (انجام‌دهنده آن کار است). پس او را برای محاکمه آوردند و از او سؤال کردند:

﴿... أَنْتَ فَعَلْتَ هَذَا بِالْهَيْتِنَا يَا إِبْرَاهِيمُ﴾ الْأَنْبِيَاءُ: ۶۲

ای ابراهیم آیا تو این کار را با خدایان ما انجام دادی؟

فَأَجَابَهُمْ: لِمَ تَسْأَلُونَنِي؟! إِسْأَلُوا الصَّنَمَ الْكَبِيرَ.

به آنها پاسخ داد: چرا از من می‌پرسید؟ از بت بزرگ بپرسید.

بَدَأَ الْقَوْمُ يَتَهَامَسُونَ: «إِنَّ الصَّنَمَ لَا يَتَكَلَّمُ؛ إِنَّمَا يَقْصِدُ إِبْرَاهِيمُ الْإِسْتِهْزَاءَ بِأَصْنَامِنَا».

مردم شروع به پی‌چ‌پیچ کردند: «به راستی بت سخن نمی‌گوید؛ ابراهیم حتماً قصد مسخره کردن بت‌های ما را دارد».

وَ هُنَا ﴿قَالُوا حَرِّقُوهُ وَانصُرُوا آلِهَتَكُمْ﴾ الْأَنْبِيَاءُ: ۶۸

و اینجا گفتند: او را بسوزانید و خدایانتان را باری کنید.

فَقَذَفُوهُ فِي النَّارِ، فَأَنْقَذَهُ اللَّهُ مِنْهَا.

پس او را در آتش پرتاب کردند و خداوند از آن نجاتش داد.

عَيْنِ الصَّحِيحِ وَالْخَطَأِ حَسَبَ نَصِّ الدَّرْسِ. صفحه ۴ کتاب درسی

درست و غلط را براساس متن درس مشخص کن.

① كَانَ الْهَدَفُ مِنْ تَقْدِيمِ قِرْبَانِيهَا لِلْأَلِهَةِ كَسَبَ رِضَاهَا وَ تَجَنَّبَ شَرَّهَا.

هدف از تقدیم قربانی‌ها برای خدایان کسب خشنودی‌شان و دور ماندن از بدی‌شان بود.

② عَلَّقَ إِبْرَاهِيمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ الْفَأْسَ عَلَى كَيْفِ أَضْعُرِ الْأَصْنَامِ.

ابراهیم تبر را بر دوش کوچک‌ترین بت‌ها آویخت.

③ لَمْ يَكُنْ لِبَعْضِ الشُّعُوبِ دِينٌ أَوْ طَرِيقَةٌ لِلْعِبَادَةِ.

برخی ملت‌ها دین یا روشی برای عبادت نداشتند.

④ الْآثَارُ الْقَدِيمَةُ تُؤَكِّدُ اهْتِمَامَ الْإِنْسَانِ بِالدِّينِ.

آثار قدیمی توجه انسان را به دین تأکید می‌کند.

⑤ إِنَّ التَّنَدُّينَ فِطْرِيٌّ فِي الْإِنْسَانِ.

به‌راستی دینداری در انسان فطری است.

⑥ لَا يَتَرَكُ اللَّهُ الْإِنْسَانَ سُدىً.

خدا انسان را بیهوده رها نمی‌کند.



درسنامه

۱- اَلْحُرُوفُ الْمُسَبَّهَةُ بِالْفِعْلِ

با معانی دقیق حروف پیکاربرد «إِنَّ، أَنْ، كَأَنَّ، لَكِنَّ، لَيْتَ، لَعَلَّ» آشنا شوید:

إِنَّ: پس از خود را تأکید می‌کند و به معنای «قطعاً، همانا، به درستی که، بی‌گمان» است و غالباً در اول جمله و بعد از «قال» و مشتقات آن و گاهی اوقات برای تکیه کلام می‌آید و اگر در جمله‌ای، به غیر از آیات و احادیث ترجمه نشد، اشکالی ندارد.

◀ **مثال:** «... إِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ» التَّوْبَةُ: ۱۲۰

بی‌گمان خدا پاداش نیکوکاران را تباه نمی‌کند.

«إِنَّا جَعَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا...» الرَّحْف: ۳

همانا ما آن را قرآنی [به زبان] عربی قرار دادیم.

«قَالَ إِنَّ اللَّهَ مُبْتَلِيكُمْ بِنَهْرٍ...» الْبَقَرَةُ: ۲۴۹

گفت **بی‌شک** خداوند آزمایش‌کننده شما به وسیله رودخانه‌ای است.

«... وَ إِنَّ اللَّهَ عَلَيَّ نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ» الْحَج: ۳۹

و **بی‌گمان** خدا بر یاری آنها تواناست.

أَنَّ: به معنای «که» است و دو جمله را به هم پیوند می‌دهد که همان حرف ربط فارسی است که غالباً در وسط جمله می‌آید.

◀ **مثال:** «قَالَ أَغْلَمُ أَنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» الْبَقَرَةُ: ۲۵۹

گفت می‌دانم **که** خدا بر هر چیزی تواناست.

كَأَنَّ: به معنای «گویى» و «مانند» است.

◀ **مثال:** «كَأَنَّهُنَّ الْيَاقُوتُ وَ الْمَرْجَانُ» الرَّحْمَن: ۵۸

آنان **مانند** یاقوت و مرجان‌اند.

كَأَنَّ إِرْضَاءَ جَمِيعِ النَّاسِ غَايَةٌ لَا تُدْرَكُ.

گویى خشنود ساختن همه مردم، هدفی است که به دست نمی‌آید.

«إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ صَفًّا كَأَنَّهُمْ بُنْيَانٌ مَرْصُوفٌ» الْصَّف: ۴

بی‌گمان خدا دوست دارد کسانی را که در راه او صف در صف جهاد می‌کنند **گویى** آنها بنایی محکم و استوارند.

لَكِنَّ: به معنای «ولی» و «بلکه» برای بر طرف کردن ابهام جمله قبل از خودش است و معمولاً حکم ما قبل آن با حکم ما بعد آن فرق دارد.

◀ **مثال:** ماجاءني عليٌّ لَكِنِّي لَأَحْمَدُ جَاء.

علی نزد من نیامد **بلکه** احمد آمد.

«إِنَّ اللَّهَ لَذُو فَضْلٍ عَلَى النَّاسِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَشْكُرُونَ» الْبَقَرَةُ: ۲۴۳

بی‌گمان خدا دارای بخشش بر مردم است، **ولی** بیشتر مردم سپاسگزاری نمی‌کنند.

«فَهَذَا يَوْمُ الْبَعْثِ وَلَكِنَّكُمْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ» الرَّؤْم: ۵۶

پس این، روز رستاخیز است **ولی** شما نمی‌دانستید.



لَيْتٌ: به معنای «کاش» و بیانگر امید و آرزوست و به صورت «یا لَيْتٌ» هم به کار می‌رود.
مثال: ﴿وَيَقُولُ الْكَافِرُ يَا لَيْتَنِي كُنْتُ تُرَابًا﴾ الأَنْبِيَاءُ: ۴۰ و کافر می‌گوید ای کاش من خاک بودم!

﴿قِيلَ ادْخُلِ الْجَنَّةَ قَالَ يَا لَيْتَ قَوْمِي يَعْلَمُونَ﴾ يس: ۳۶

گفته شد: «وارد بهشت شو!» گفت: «ای کاش قوم من آگاه بشوند!»

لَيْتُ الشَّبَابِ يَعُودُ. **کاش** جوانی برگردد.

لَعَلَّ: یعنی «شاید» و «امید است» در مورد امر ممکن و در معنی امید به تحقق امری به کار می‌رود.

مثال: ﴿إِنَّا جَعَلْنَاهُ قرآنًا عَرَبِيًّا لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ﴾ الرَّحْمَ: ۳

همانا ما قرآن را به زبان عربی قرار دادیم **شاید** (امید است) شما خرد ورزی کنید.

﴿لا تدری لَعَلَّ الله يُحْدِثُ بَعْدَ ذَلِكَ أَمْرًا﴾ طلاق: ۱ نمی‌دانی **شاید** خدا پس از این پیشامدی پدید آورد.

تکلیف

فعل مضارع در جمله دارای «لَعَلَّ» و «لَيْتٌ» به صورت «مضارع التزامی» ترجمه می‌شود.

مثال: لَيْتَ صَدِيقِي يَنْجِحُ فِي الْمَسَابِقَةِ! کاش دوستم در مسابقه پیروز شود!

لَيْتَنِي أَشَاهِدُ جَمِيعَ مَدُنِ بِلَادِي! کاش همه شهرهای کشورم را ببینم!

﴿... فاذكروا آلاءَ الله لَعَلَّكُمْ تَفْلِحُونَ﴾ الأنعام: ۶۹

پس نعمت‌های خدا را به یاد آورید شاید که **رستگار شوید**.

فعل ماضی را در جمله دارای «لَيْتٌ» می‌توان به صورت «ماضی استمراری» یا «ماضی بعید» ترجمه کرد، اما به منظور آسان کردن کار دانش‌آموز، ترجمه ماضی استمراری مطلوب است.

مثال: لَيْتَ ناصراً أَتْبَعَدَ عَنِ الْكَسَلِ!

کاش ناصراز تنبلی دوری می‌کرد! (ماضی استمراری)

کاش ناصراز تنبلی دوری کرده بود! (ماضی بعید)

۲- لَا النَّافِيَةُ لِلْجِنْسِ

انواع «لا» و معنای آنها در جمله:

۱- **حرف جواب:** در پاسخ به حرف پرسشی «هل» و «أ» است.

مثال: أَنْتَ مِنْ مازندران؟ لا، أَنَا مِنْ سمنان.

۲- **حرف عطف:** دو کلمه را به همدیگر ربط می‌دهد.

مثال: جَاءَ مُحَمَّدٌ لا عَلِيٌّ. محمد آمد، نه علی.

صَدِيقُكَ مَنْ صَدَقَكَ لا مِنْ صَدَقَكَ. أمير المؤمنين علي بن أبي طالب.

دوست تو کسی است که به تو راست بگوید **نه** کسی که تو را تصدیق کند.



۳- **نافیه (نهی):** بر سر فعل مضارع می‌آید و به صورت مضارع اخباری منفی ترجمه می‌شود و آخر فعل تغییر نمی‌کند.

◀ **مثال:** يَذْهَبُ: می‌رود ← لَا يَذْهَبُ: نمی‌رود

«... إِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ» التَّوْبَةُ: ۱۲۰ همانا خداوند پاداش نیکوکاران را تباه نمی‌کند.

۴- **ناهیه (نهی):** بر سر فعل مضارع می‌آید و به صورت نهی یا امر منفی ترجمه می‌شود و آخر فعل تغییر می‌کند؛

◀ **مثال:** تَذْهَبُ: می‌روی ← لَا تَذْهَبُ: نرو

«وَلَا تَسُبُّوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ فَيَسُبُّوا اللَّهَ...» الْأَنْعَامُ: ۱۰۸

و کسانی را که به غیر خدا فرا می‌خوانند **دشنام** ندهید زیرا که به خدا دشنام دهند.

۵- **نافیه لیلجنس (نهی جنس):** بر سراسم می‌آید و آن اسم «أل» و یا «تنوین» نمی‌گیرد، بلکه غالباً فتمحه می‌گیرد و

حرف «لا» به معنی «هیچ ... نیست» یا «وجود ندارد» ترجمه می‌شود.

◀ **مثال:** لَا كُنْزَ أَعْنَى مِنَ الْقَنَاعَةِ. أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيٌّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ. **هیچ گنجی بی‌نیازکننده‌تر از قناعت نیست.**

لَا فَقْرٌ أَشَدُّ مِنَ الْجَهْلِ. **هیچ فقری سخت‌تر از نادانی نیست.**

«... لَا عِلْمَ لَنَا إِلَّا مَا عَلَّمْتَنَا...» الْبَقَرَةُ: ۳۲ **جز آنچه به ما آموختی، هیچ دانشی نداریم (برای ما نیست).**

اخْتَبِرْ نَفْسَكَ (۱): تَرْجِمْ هَاتَيْنِ الْآيَتَيْنِ الْكَرِيمَتَيْنِ. صفحه ۷ کتاب درسی

خودت را امتحان کن: این دو آیه شریفه را ترجمه کن.

① «فَهَذَا يَوْمُ الْبُعْثِ وَلِكِنِّكُمْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ» الزُّمَرُ: ۵۶

پس این، روز رستاخیز است، اما شما نمی‌دانستید.

② «إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ صَفًا كَانَتْهُمْ بُنْيَانٌ مَرْصُوفٌ» الصَّفُّ: ۴

بی‌گمان خدا دوست دارد کسانی را که در راه او صف در صف جهاد می‌کنند گویی آنها بنایی محکم و استوارند.

اخْتَبِرْ نَفْسَكَ (۲): تَرْجِمْ هَذِهِ الْأَحَادِيثَ حَسَبَ قَوَاعِدِ الدَّرْسِ. صفحه ۸ کتاب درسی

خودت را امتحان کن: این حدیث‌ها را براساس قواعد درس ترجمه کن.

① لَا حَيْرَ فِي قَوْلِ إِلَّا مَعَ الْفِعْلِ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

هیچ خیری در سخن گفتن نیست مگر با کردار.

② لَا جِهَادَ كَجِهَادِ النَّفْسِ. أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيٌّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ

هیچ مبارزه‌ای مثل مبارزه با نفس نیست.

③ لَا لِبَاسٍ أَجْمَلٌ مِنَ الْعَافِيَةِ. أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيٌّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ

هیچ لباسی زیباتر از تندرستی نیست.

④ لَا فَقْرٌ كَالْجَهْلِ وَلَا مِيرَاتٌ كَالْأَدَبِ. أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيٌّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ

هیچ فقری مثل نادانی و هیچ میراثی مثل ادب نیست.



صَفْحَةُ ۹ كِتَابِ دَرَسِي **اِخْتَبِرْ نَفْسَكَ (۳): اِمْلًا الْفَرَاغَ فِي مَا يَلِي، ثُمَّ عَيِّنْ نَوْعَ «لَا» فِيهِ.**

خودت را امتحان کن: جای خالی را در آنچه در زیر می‌آید پر کن، سپس نوع «لا» را در آن مشخص کن.

۱ ﴿وَلَا تَسُبُّوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِن دُونِ اللَّهِ فَيَسُبُّوا اللَّهَ...﴾ الْأَنْعَامُ: ۱۰۸

و کسانی را که به غیر خدا فرا می‌خوانند... دشنام ندهید؛ زیرا که به خدا دشنام دهند. («لا» التَّاهِيَةِ لِلْفِعْلِ الْمُضَارِعِ)

۲ ﴿وَلَا يَخْرُجُكَ قَوْلُهُمْ إِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا...﴾ يُونُسُ: ۶۵

گفتارشان تو را... اندوهگین نکند؛ زیرا ارجمندی، همه... از آن... خداست. («لا» التَّاهِيَةِ لِلْفِعْلِ الْمُضَارِعِ)

۳ ﴿... هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ...﴾ الْأَزْمَرُ: ۹

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که... نمی‌دانند... برابر هستند؟ («لا» التَّاهِيَةِ لِلْفِعْلِ الْمُضَارِعِ)

۴ ﴿... رَبَّنَا وَلَا تَحْمِلْنَا مَا لَاطِقَةٌ لَنَا بِهِ...﴾ الْبَقَرَةُ: ۲۸۶

پروردگارا، آنچه توانش را نداریم بر ما... تحمیل نکن... («لا» التَّاهِيَةِ لِلْفِعْلِ الْمُضَارِعِ، «لا» التَّاهِيَةِ لِلْجِنْسِ)

۵ ﴿لَا يَزْحَمُ اللَّهُ مَن لَّا يَزْحَمُ النَّاسُ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ﴾

خدا رحم نمی‌کند به کسی که به مردم... رحم نمی‌کند... («لا» التَّاهِيَةِ لِلْفِعْلِ الْمُضَارِعِ)

صَفْحَةُ ۱۰ كِتَابِ دَرَسِي **التَّمْرِينُ الْأَوَّلُ: أَيُّ كَلِمَةٍ مِّن كَلِمَاتِ مُعْجَمِ الدَّرْسِ تُنَاسِبُ التَّوْضِيحَاتِ التَّالِيَةَ؟**

تمرین اول: چه کلمه‌ای از کلمه‌های واژه‌نامه درس با توضیحات زیر تناسب دارد؟

۱ آتَةٌ ذَاتُ يَدٍ مِّنَ الْخَشَبِ وَ سِنَّةٌ عَرِيضَةٌ مِّنَ الْحَدِيدِ يُقَطَّعُ بِهَا:

الْفَأْسُ

ابزاری دارای دسته‌ای از چوب و دندانی پهن از آهن که با آن بریده می‌شود. (تبر)

۲ تَمَثَّالٌ مِّنَ حَجَرٍ أَوْ خَشَبٍ أَوْ حَدِيدٍ يُعْبَدُ مِّن دُونِ اللَّهِ:

الصَّنَمُ

مجسمه‌ای از سنگ یا چوب یا آهن که به جای خدا عبادت می‌شود. (بت)

۳ عُضْوٌ مِّنْ أَعْضَاءِ الْجِسْمِ يَبْقَى فَوْقَ الْجِدْعِ:

الْكَيْفُ

عضوی از اعضای بدن که روی تنه قرار می‌گیرد. (شانه)

۴ اَلتَّارِكُ لِلْبَاطِلِ وَ اَلْمُتَمَائِلُ اِلَى الدِّينِ الْحَقِّ:

الْحَنِيفُ

ترک‌کننده باطل و روی آورنده به دین حق. (یکتاپرست)

۵ اِنَّهُمْ بَدَّوْا يَتَكَلَّمُونَ بِكَلَامٍ حَفِيِّ:

تَهَامَسُوا

آنها با سخنی پنهانی شروع به سخن گفتن کردند. (پچ پچ کردند)



التَّمْرِينُ الثَّانِي: تَرْجِمِ الْعِبَارَاتِ التَّالِيَةَ، ثُمَّ عَيِّنِ الْحَرْفَ الْمُشَبَّهَ بِالْفِعْلِ، وَلَا التَّافِيَةَ لِلْجِنْسِ صفحه ۱۰ کتاب درسی
 تمرین دوم: عبارت‌های زیر را ترجمه کن، سپس حرف مشبّه بالفعل و لا نفی جنس را تعیین کن.

۱ ﴿فَبَلِّغْ أَدْخِلِ الْجَنَّةَ قَالَ يَأْتِيَتْ قَوْمِي يَعْلَمُونَ بِمَا غَفَرَ لِي رَبِّي وَ جَعَلَنِي مِنَ الْمُكْرَمِينَ...﴾ یس: ۲۶ و ۲۷

گفته شد: «وارد بهشت شو!» گفت: «ای کاش قوم من به آنچه که پروردگارم مرا [با آن] آمرزید و از گرامی‌شدگان قرارم داد، آگاه بشوند!»
 (لَيْتَ: الحرف المشبّه بالفعل)

۲ ﴿... لا تَحْزُنْ إِنَّ اللَّهَ مَعَنَا...﴾ التَّوْبَةُ: ۴۰

اندوهگین نباش، همانا خدا با ماست. (لا تَحْزُنْ: لا النّاهية للفعل المضارع - إِنَّ: الحرف المشبّه بالفعل)

۳ ﴿... لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ...﴾ الْأَصْفَات: ۳۵

هیچ معبودی جز خدا نیست. (لا إِلَهَ: لا التّافية للجنس)

۴ ﴿لا دِينَ لِمَنْ لا عَهْدَ لَهُ.﴾ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

هیچ دینی برای کسی که هیچ پیمانی ندارد نیست. (لا دِينَ، لا عَهْدَ: لا التّافية للجنس)

التَّمْرِينُ الثَّالِثُ: أِقْرَأِ الشَّعْرَ الْمُنْسُوبَ إِلَى الْإِمَامِ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ، ثُمَّ عَيِّنِ تَرْجِمَةَ الْكَلِمَاتِ الَّتِي تَحْتَهَا حُطُّ. صفحه ۱۱ کتاب درسی
 تمرین سوم: شعر منسوب به امام علی علیه السلام را بخوان، سپس ترجمه کلمه‌هایی را که زیرشان خط است، مشخص کن.

أَيُّهَا الْفَاحِشُ جَهْلًا بِالنَّسَبِ إِنَّمَا النَّاسُ لِأُمِّمْ وَ لِأَبٍ
 هَلْ تَرَاهُمْ خُلِقُوا مِنْ فِضَّةٍ أَمْ حَدِيدٍ أَمْ نُحَاسٍ أَمْ ذَهَبٍ
 بَلْ تَرَاهُمْ خُلِقُوا مِنْ طِينَةٍ هَلْ سِوَى لَحْمٍ وَ عَظْمٍ وَ عَصَبٍ
 إِنَّمَا الْفَخْرُ لِعَقْلِ ثَابِتٍ وَ حَيَاءٍ وَ عَفَافٍ وَ أَدَبٍ

ای که نابخردانه افتخارکننده به دودمان هستی، مردم تنها از یک مادر و یک پدرند (هستند).

آیا آنان را می‌بینی (می‌پنداری) که از نقره، آهن، مس یا طلا آفریده شده‌اند؟

بلکه آنان را می‌بینی (می‌پنداری) از تگه گلی آفریده شده‌اند. آیا به جز گوشت و استخوان و پی‌اند؟

افتخار تنها به خردی استوار، شرم، پاکدامنی و ادب است.

ب. اسْتَخْرِجْ مِنَ الْأَبْيَاتِ اسْمَ الْفَاعِلِ، وَالْفِعْلَ الْمَجْهُولَ، وَالْجَارَ وَالْمَجْرُورَ، وَالصِّفَةَ وَالْمَوْصُوفَ.

اسم فاعل، فعل مجهول، جار و مجرور و صفت و موصوف را از ابیات استخراج کنید.

اسم الفاعل: الْفَاحِشُ، ثَابِتٌ الْجَارُ وَالْمَجْرُورُ: بِالنَّسَبِ، لِأُمِّ، لِأَبٍ، مِنْ فِضَّةٍ، مِنْ طِينَةٍ، لِعَقْلِ

الفعل المجهول: خُلِقُوا الصِّفَةُ وَالْمَوْصُوفُ: عَقْلٌ ثَابِتٌ (عَقْلٌ: الموصوف، ثابِتٌ: الصفة)



التَّمْرِينُ الرَّابِعُ: تَرْجِمِ الْأَحَادِيثَ النَّبَوِيَّةَ، ثُمَّ عَيِّنِ الْمَطْلُوبَ مِنْكَ. صفحة ۱۲ کتاب درسی

تمرین چهارم: حدیث‌های نبوی را ترجمه کن، سپس چیزی را که از تو خواسته شده است، مشخص کن.

۱) كُلُّ طَعَامٍ لَا يُذَكَّرُ اسْمُ اللَّهِ عَلَيْهِ، فَإِنَّمَا هُوَ دَاءٌ وَلَا بَرَكَةٌ فِيهِ. (الْفِعْلُ الْمَجْهُولُ وَ نَوْعُ لَا)

هر غذایی که اسم خدا بر آن برده نمی‌شود حتماً بیماری است و هیچ برکتی در آن نیست.

الْفِعْلُ الْمَجْهُولُ: لَا يُذَكَّرُ

نوع لا: لَا يُذَكَّرُ؛ لا النَّافِيَةُ لِلْفِعْلِ الْمَضَارِعِ، لَا بَرَكَةٌ: لا النَّافِيَةُ لِلْجِنْسِ

۲) لَا تَغْضَبْ، فَإِنَّ الْعُضْبَ مَفْسُدَةٌ. (نَوْعُ الْفِعْلِ)

خشم نگیر. به راستی خشم مایه تباهی است.

نَوْعُ الْفِعْلِ: فِعْلُ التَّهْيِئِ

۳) لَا فُقْرَ أَشَدُّ مِنْ الْجَهْلِ وَلَا عِبَادَةَ مِثْلَ التَّفَكُّرِ. (المُضَافُ إِلَيْهِ وَ نَوْعُ لَا)

هیچ فقری شدیدتر از نادانی و هیچ عبادتی مثل اندیشیدن نیست.

المُضَافُ إِلَيْهِ: التَّفَكُّرُ

نوع لا: لَا فُقْرَ، لَا عِبَادَةَ: لا النَّافِيَةُ لِلْجِنْسِ

التَّمْرِينُ الْخَامِسُ: لِلتَّرْجِمَةِ. صفحة ۱۳ کتاب درسی

تمرین پنجم: برای ترجمه.

۱	جَلَسْنَا: نشستیم	لَا تَجْلِسُوا: ننشینید	إِجْلِسْ: بنشینید
	إِجْلِسُوا: بنشینید	الْجَالِسُ: نشسته	الْمَجْلِسُ: مجلس (مکان نشستن)
۲	أَجْلَسْ: نشانید	أَجْلِسْ: بنشان	يُجْلِسُونَ: می‌نشانند
	سَيُجْلِسُ: خواهد نشانید	لَمْ يُجْلِسُوا: نشانیدند	الْإِجْلَاسُ: نشانیدن
۳	فَهِمْتُ: فهمید	قَدْ فَهِمْتُ: فهمیدی	لَمْ أَفْهَمْ: نفهمیدم
	لَا يَفْهَمُ: نمی‌فهمد	إِفْهَمْ: بفهم	سَوْفَ يَفْهَمُ: خواهد فهمید
۴	فَهَمْتُ: فهمانیدم	فَهَمْتُ: فهمانیده شد	لَنْ يَفْهَمَ: نخواهد فهمانید
	لَيَفْهَمُ: باید بفهماند	الْمَفْهَمُ: فهماننده	سَوْفَ أَفْهَمُ: خواهم فهمانید



۵	قَطَعَ: بُرِید شد	قَطَعَ: بُرِید شد	كَانُوا قَطَعُوا: بُرِیده بودند	كَانَا يَطْعَانُ: می بُریدند
۶	اِنْقَطَعَ: بُرِیده شد	لَا تَقْطَعُ: نَبْر	اَلْقَاطِعَةُ: بُرِنده	اَلْمَقْطُوعُ: بُرِیده شده
۷	عَفَرَ: آمرزید	لَيْتَنَّهُ يَغْفِرُ: ای کاش او بیامرزد	لَيْتَنَّهُ عَفَرَ: ای کاش او می‌آمزرید	قَدْ عَفَرَ: آمرزیده است
۸	اِسْتَعْفَرْتُ: آمرزش خواستم	اِسْتَعْفَرْتُ: آمرزش خواستم	قَدْ اِسْتَعْفَرْتُمْ: آمرزش خواسته‌اید	اَلاِسْتِعْفَارُ: آمرزش خواستن
	اِسْتَعْفِرُ: آمرزش می‌خواهم	اِسْتَعْفِرُ: آمرزش می‌خواه	لَا يَسْتَعْفِرُونَ: آمرزش نمی‌خواهند	

اَلتَّمْرِیْنُ السَّادِسُ: اِقْرَأْ هَذِهِ اَلْأَنْشُودَةَ؛ ثُمَّ تَرَجِّمُهَا اِلَى الْفَارْسِيَّةِ صَفْحَةُ ۱۴ كِتَابِ دَرْسِي

تمرین ششم: این سرود را بخوان، سپس آن را به فارسی ترجمه کن.

يا إلهي، يا إلهي	يا مُجِيبَ الدَّعَوَاتِ	ای خدای من، ای خدای من، ای برآورنده دعاها،
اجعلِ الْيَوْمَ سَعِيداً	وَ كَثِیْرَ الْبَرَكَاتِ	امروز را خوش اقبال و پربرکت قرار بده.
وَ اَملاً الصَّدْرَ اِنْشِرَاحاً	وَ فَمِي بِالْبَسْمَاتِ	و سینه را از شادمانی و دهانم را از لبخندها پر کن.
وَ اَعْتِي فِي دَرْسِي	وَ اَدَاءِ الْوَاجِبَاتِ	و مرا در درس‌هایم و انجام تکالیف یاری کن.
وَ اَنْزِ عَقْلِي وَ قَلْبِي	بِالْعُلُومِ النَّافِعَاتِ	و خرد و دلم را با دانش‌های سودمند روشن کن.
وَ اجْعَلِ التَّوْفِیْقَ حَظِّي	وَ نَصِیْبِي فِي الْحَيَاةِ	و موفقیت را بخت و بهره من در زندگی قرار بده.
وَ اَملاً الدُّنْيَا سَلاماً	شامِلاً كُلَّ الْجِهَاتِ	و دنیا را از صلحی فراگیر در همه جهت‌ها پر کن.
وَ اَحْمِنِي وَ اَحْمِ بِلادِي	مِنْ شُرُورِ الْحَادِثَاتِ	و من و کشورم را از پیشامدهای بد نگهداری کن.